

# حسن اهل دل

ابوالقاسم فخاریان

g\_fakharian@hotmail.com

## شگفتیهای فال حافظ

نیافته باشد. این باور به فال حافظ و پناهجویی به حافظ عمدتاً از غنای غزل حافظ، ژرفاندیشی او و جامعیت و ابهام و پررمزی شعر حافظ برمی خیزد.

در طول تاریخ، تجارب جالب و گاه شگفت‌انگیزی از انطباق فال حافظ با احوال و وضعیت فال‌گیرنده ضبط و نقل شده که ذکر برخی از آنها خالی از لطف نخواهد بود.

به ناامیدی از این در مرو بزن فالی

بود که قرعه دولت بنام ما افتد

حافظ بزرگترین و گرامی‌ترین شاعر ما ایرانیان و همه جهانیان است. دیوانش زینت‌بخش همه خانه‌هاست که با کتاب سر و کاری دارند. با برخورداری از «صد نکته غیر حسن» مقبول طبع همه قشرهای جامعه است. بیشترین تفسیرها در مورد دیوان او بیان شده و بیشترین تصنیفها و ترانه‌ها بر پایه اشعار او تنظیم یافته است. نسیم دلپذیر غزل‌های حافظ به سرزمینهای گوناگون رسیده و گوته شاعر آلمانی و غول شعر جهان را دگرگون ساخته است.

آنچه حافظ را سرآمد شاعران ایران و جهان ساخته عبارتست از اندیشه‌های والای انسانی، ستایش عشق به انسان، حکمت‌آموزی، آزاداندیشی و مبارزه با تزویر و ریا، احاطه به دانشهای روزگار خویش از جمله کلام، فلسفه، نجوم و موسیقی و اعجاز در غزل سرائی.

اما یکی از ویژگیها و وجوه امتیاز حافظ نسبت به دیگر شعرا این است که عامی و عارف با دیوان او فال می‌گیرند. مردم ایران حافظ را آئینه‌دار تاریخ خویش می‌دانند و برای آگاهی یافتن از آینده و صلاح‌اندیشی در امور خویش همانند یک یار مشفق با حافظ مشورت می‌کنند و از او مدد می‌جویند.

کمتر کسی را می‌توان یافت که در عمر خویش حداقل یک‌بار به دیوان حافظ تفأل نزده باشد و حافظ را همراز و هم‌نفس خویش



# شگفتیهای فال حافظ



## نمونه نخست

شاه طهماسب انگشتی مورد علاقه خویش را گم کرده و سخت از این بابت غمناک بود. بنابر توصیه یکی از ندیمان در این باب از دیوان حافظ فالی گرفت که این بیت را در غزل یافت:

دلی که غیب‌نمائیست و جام جم دارد  
ز خاتمی که دمی گم شود چه غم دارد

## نمونه دوم

هنگامی که حافظ درگذشت، قشربون شیراز به بهانه آنکه حافظ شرابخوار بود و مضامین شعر او برغم آنان کفرآمیز؛ با خاکسپاری حافظ در گورستان مسلمانان مخالفت کردند. دوستداران حافظ پیشنهاد کردند این مسئله را با مراجعه به دیوان خواجه حل کنند که بیت زیر آمد:

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ  
که گرچه غرق گناه است، می‌رود به بهشت

## نمونه سوم

دکتر خرماشاهی، حافظ‌پژوه نامی ایران نقل می‌کند که در جمعی از ادیبان بحث بر سر امتیازات و سرآمدی شخصیت و شعر حافظ نسبت به سایر شعرا بود. در آن میان شخصی به نام آقای «اویسی» این دلبستگی به حافظ و ستایش از شعر او را اغراق‌آمیز و تعصب‌آلود نامید. ظریفی خواست که همین نظر آقای اویسی را از حافظ و با تغال به دیوان او جویا شوند که چنین آمد:

من از جان بنده سلطان اویسم

اگر لطفش به این چاکر نباش

کسی گیرد خطا بر نظم حافظ

که هیچش لطف در گوهر نباشد

خوانندگان گرانقدر سخن اهل دل می‌توانند چهره میبهوت آقای اویسی را پس از شنیدن این ابیات مجسم نمایند!

## نمونه چهارم

این نمونه تجربی شخص نگارنده این ستون است. دوست دانشمندی که بالاترین مدارج علمی را در یکی از رشته‌های علوم در خارج از کشور طی کرده بود و با ادبیات نیز سروکار چندانی نداشت با این حقیر مشورت می‌کرد که در ایران بماند و یا پیشنهادات پرجاذبه خارج را بپذیرد و جلای وطن کند.

به او پیشنهاد کردم پاسخ خود را از دیوان حافظ بگیرد. ابیات زیر آن دوست و جمله حاضرین را شگفت‌زده ساخت:

چرا نه در پی عزم و دیار خود باشم

چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم

غم غریبی و غربت چو بر نمی‌تابم

به شهر خود روم و شهر یار خود باشم

سخن را با این بیت حافظ به پایان می‌رسانیم که خود می‌تواند نشانه‌ای از توجه حافظ به موضوع و مقوله فال باشد

از غم هجر ممکن ناله و فریاد که دوش

زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید